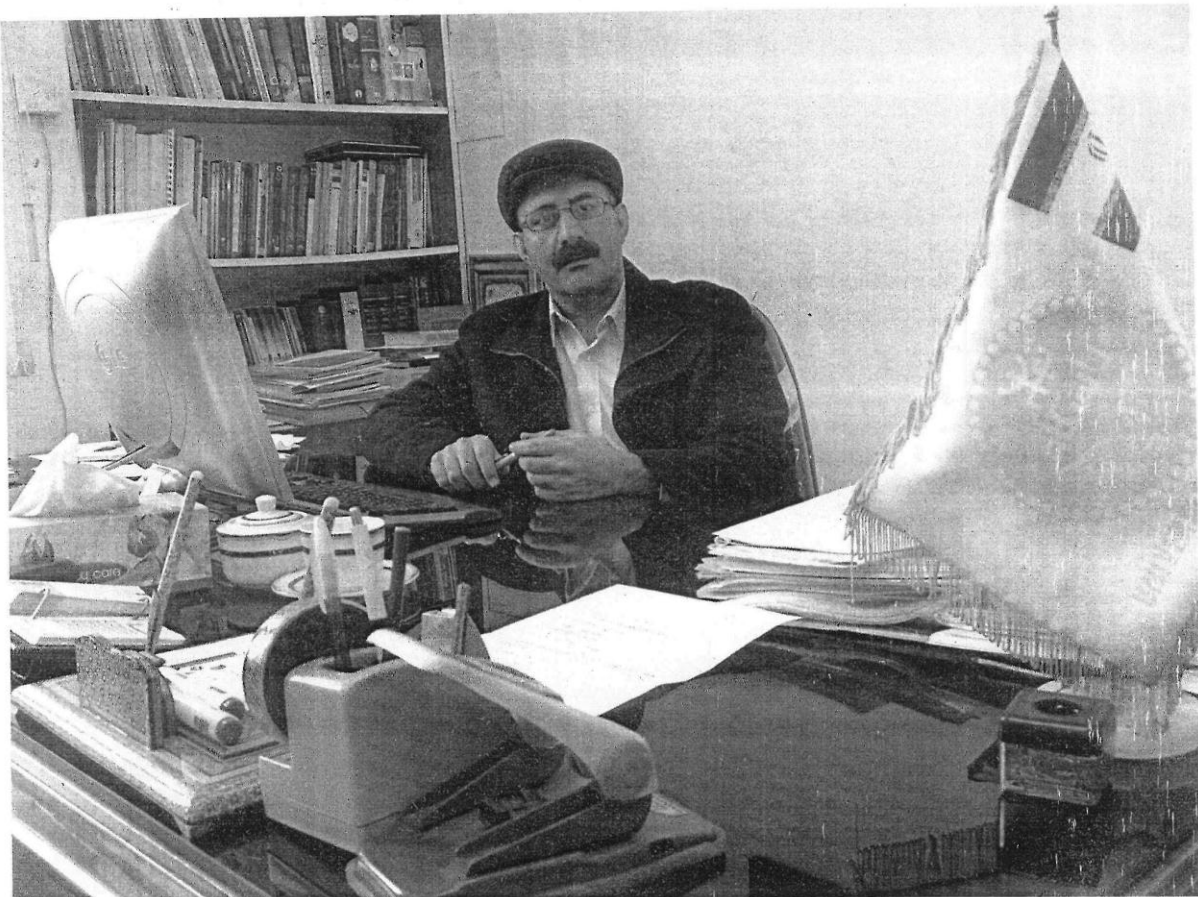


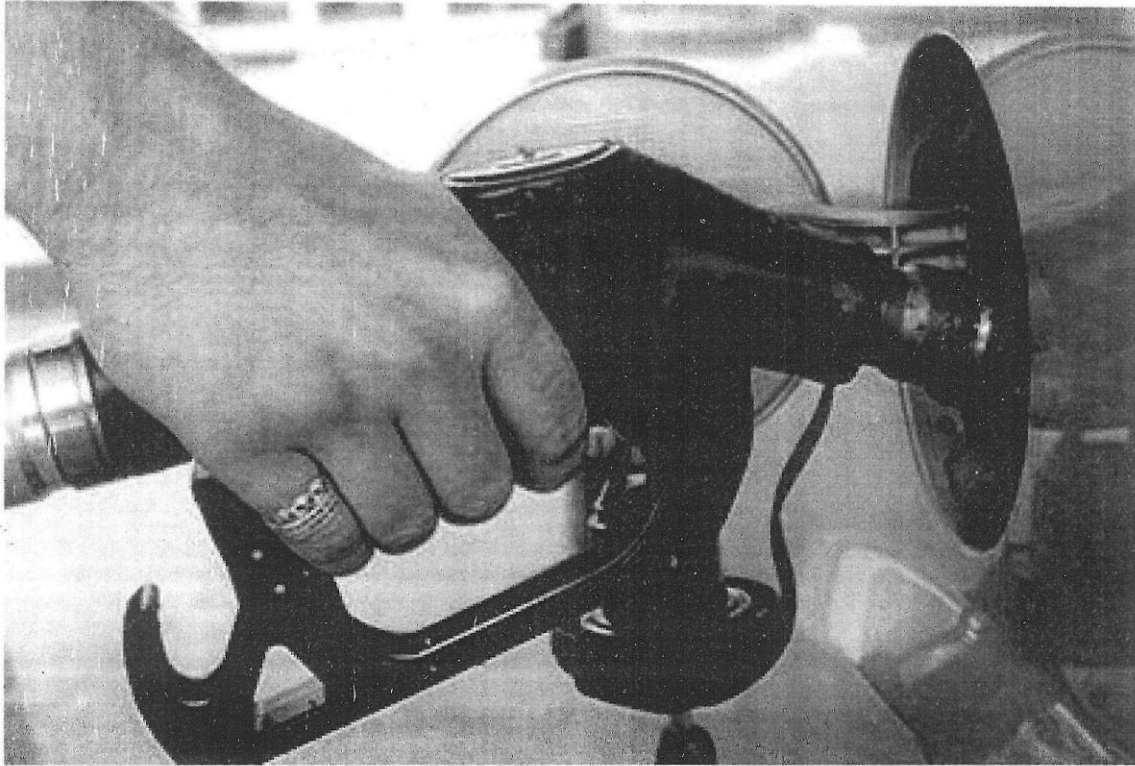
نمای نزدیک



دکتر وحید محمودی

ارزیابی هدفمندی یارانه ها در گفت و گو با :
دکتر وحید محمودی؛ استاد اقتصاد دانشگاه تهران
هر سیاستی که مردم را به دولت وابسته تر کند، خلاف توسعه است

ارزیابی هدفمندی یارانه ها در گفتگو با دکتر وحید محمودی؛ استاد اقتصاد دانشگاه تهران هر سیاستی که مردم را به دولت وابسته تر کند، خلاف توسعه است



انرژی در کشور، ارزانی یارانه حامل های انرژی، توزیع ناعادلانه یارانه و پایین بودن قیمت حامل های انرژی نسبت به قیمت های جهانی؛ که هر کدام از این چهار مورد آثار خود را بر روی اقتصاد و شرایط اقتصادی-مالی کشور به جای می گذارد. واضح است که استمرار این نوع پرداخت یارانه ها به صلاح اقتصاد ملی نیست. این موضوعی است که دولتهای قبلی (دولت آقای هاشمی و به خصوص دولت آقای خاتمی) به این نتیجه رسیده بودند. در ماده ۳ قانون برنامه چهارم توسعه پیش بینی و هدفگذاری شده بود که یارانه ها هدفمند بشود. در آنجا پیش بینی شده بود که به تدریج قیمت کالاهایی که با قیمت یارانه ای به بازار عرضه می شوند، به خصوص حامل های انرژی به قیمت واقعی خود برسند. البته آن بسته سیاستی حاوی هم سیاست های قیمتی بود هم غیر قیمتی.

متأسفانه با آغاز به کار مجلس هفتم، یکی از اولین اقداماتی که انجام دادند، اصلاح برنامه چهارم توسعه و حذف این ماده قانونی بود. بنا به تصمیمی که در آن مجلس اتخاذ گردید و پس از آن دولت نهم هم از آن تبعیت کرد، قانون هدفمند کردن یارانه ها به کلی کنار نهاده شد و حتی آن میزان افزایش تدریجی و بطعی قیمت حامل های انرژی نیز متوقف گردید. اما به تدریج و با گذشت زمان کار به جایی رسید که دولت توان پرداخت چنین میزان یارانه را بر روی حامل های انرژی نداشت و به فکر بازنگری در سیاستهای خود در این حوزه افتاد.

از بُعد نظری، باید بپذیریم که اقتصاد ما در حال حاضر یک اقتصاد فربه دولتی است، و لاجرم باید به سمتی برویم که تولید این اقتصاد از بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل شود. بنابراین باید به شیوه ای این انتقال صورت بگیرد که قیمتهای نسبی و نرخ کالاها در بازار تعیین بشود یا به عبارت دیگر بازار

صورت شجاعیان؛ دکتر وحید محمودی فارغ التحصیل دکتری اقتصاد از دانشگاه اسکس انگلستان و عضو هیات علمی دانشگاه تهران، متولد روستای دشت رزم از توابع شهرستان ممسنی است. او معاون وزیر تعاون و عضو شورای عالی اقتصاد و شورای عالی بانکها در دوران ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی بود و در حال حاضر عضو مرکز تحقیقات استراتژیک کشور و عضو پیوسته انجمن بین المللی قابلیت و توسعه انسانی دانشگاه هاروارد و استاد مدعو دانشگاه کالیفرنیا ای آمریکا است. ایشان نظریه پرداز توسعه انسان محور است. تاکنون تألیف آثاری همچون «اندازه گیری فقر و توزیع درآمد در ایران» و «دیدمان توسعه انسان محور» و ترجمه کتابهایی از آمارتپاسن، برنده جایزه نوبل اقتصاد به نامهای «توسعه به مثابه آزادی»، «نابرابری اقتصادی»، «عقلانیت و آزادی» و «ایده عدالت» از وی به ثبت رسیده است. دکتر محمودی همچنین بیش از ۶۰ مقاله علمی-پژوهشی در نشریات داخلی و بین المللی و ۴۰ مقاله در کنفرانس های داخلی و بین المللی ارائه نموده است. با توجه به اهمیت مقوله «هدفمندی یارانه ها» و کنجکاویهایی عمومی در این رابطه بر آن شدیم مباحث مرتبط با آن را به منظور ارزیابی و روشن نمودن زوایای بیشتری از آن، با ایشان که بی تردید یکی از صاحب نظران برجسته اقتصاد رفاه در کشور هستند، به گفتگو بگذاریم. متن پیش رو حاصل این گفتگوست.

آقای دکتر، با سپاس از شما که این وقت را در اختیار ما قرار دادید، ارزیابی کلی شما از موضوع «هدفمندی یارانه ها» چیست؟

فلسفه هدفمند کردن یارانه ها از منظر علمی کمک به تخصیص بهینه منابع در کشور است. دلایل این بازنگری عبارت است از بالا بودن شدت مصرف

واردات ما در حال حاضر چیزی حدود ۷۰ میلیارد دلار است. این حجم از واردات همین الان هم با توجه به محدودیتهای ارزی قابل تأمین نیست چه برسد به آنکه ما بخواهیم آنرا افزایش دهیم. در ثانی افزایش هزینه های تولید بر اثر افزایش قیمت حامل های انرژی قدرت رقابت تولید کننده های داخلی را با محصولات خارجی پایین می آورد.

این باعث می شود که یک شکافی بین عرضه و تقاضا بوجود بیاید و تورم افزایش پیدا کند. افزایش تورم دولت را به این سمت می برد که برای افزایش قدرت خرید مصرف کننده، میزان یارانه ها را افزایش بدهد برای تأمین منبع افزایش یارانه ها می بایست دوباره قیمت حامل های انرژی را بالا ببرد. من قبل از اجرای طرح به دوستان مجری طرح هدفمندی یارانه ها عرض کردم شما قیمت بنزین را دو برابر کنید، اما اجازه بدهید مردم از خودرویی استفاده کنند که کمتر از مشابه داخلی خود بنزین مصرف می کند. در آنصورت هزینه مصرفی خانوار روی بنزین تغییر نخواهد کرد. این مثال را به این جهت مطرح کردم که ما داریم به سمتی می رویم که در آن یک فضای تحمیلی برای مصرف کننده ایجاد شده است. چرا باید هزینه ناکارآمدی عرضه کننده حامل های انرژی را مصرف کننده بپردازد؟ چه کسی گفته قیمت تمام شده بنزین باید ۷۰۰ تومان باشد؟ اگر این بنزین را بخش خصوصی با یک مدیریت کارآمد تولید یا وارد کند، آیا باز قیمت آن ۷۰۰ تومان است؟ به همین دلیل بنده عرض می کنم که دولت به عنوان یک انحصارگر خودش را می بایست از این وضعیت خلاص کند.

نکته دیگر در رابطه با هدفمندی یارانه ها این است که دولت می گوید تولید کنندگان عادت کرده اند با انرژی ارزان قیمت مبادرت به تولید کنند. به همین دلیل در پی اصلاح تکنولوژی جهت ارائه محصول با انرژی کم نیستند. دولت می خواهد بدین وسیله تولید کننده را وادار کند که در پی اصلاح تکنولوژی باشد. اگر این کار را انجام دهد منبهد محصولات کیفی تر تولید می کند و توان رقابت بیشتری خواهند داشت.

حال فرض کنید تولید کننده می خواهد اصلاح تکنولوژی انجام دهد، اول آنکه قرار بود ۳۰ درصد از محل هدفمندی یارانه ها به تولید کننده جهت اصلاح تکنولوژی اختصاص پیدا کند. دولت پرداخت یارانه به مردم را اجرا کرده اما در پرداخت ۳۰ درصد به بخش تولید هیچ اقدام ملموسی انجام نداده است. به عنوان نمونه هیچ برنامه حمایتی برای کشاورزان نیست. آنها احتمالاً هزینه تولیدشان ۵۰-۴۰ درصد افزایش پیدا می کند. ولی برای جبران آن برنامه ای دیده نشده است. در ثانی اگر آنها بخواهند تکنولوژی خودشان را اصلاح کنند باید آنرا از کشورهای پیشرفته وارد کنند که با توجه به قرار داشتن کشور در شرایط تحریم، با مشکل مواجه هستند. یا نمی توانند وارد کنند یا اگر بخواهند تحریم ها را دور بزنند باید هزینه بالایی را متحمل بشوند که این به مشکلات بالا رفتن هزینه های تولید اضافه خواهد شد.

همین جا باید به این نکته اذعان کرد که انجام توفیق آمیز هدفمندی یارانه ها منوط به ایجاد فضای آرام داخلی و بین المللی خواهد بود. بنده به عنوان یک معلم اقتصاد تحلیل از هدفمندی یارانه ها این است که اگر دولت می خواهد خودش را از حمایتگری و اقتصاد دولتی خلاص بکند و به سمت اقتصاد بازار حرکت کند، در این صورت دیپلماسی خارجی و داخلی او هم می بایست در خدمت اجرای این سیاست باشد. لذا باید از تنش های داخلی و خارجی کاسته شود، مشکلات مراودات مالی و اقتصادی با دنیا کم شود و فضای آرام داخلی ایجاد شود. فضا برای جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی مهیا بشود. نیروی انسانی که ما در داخل و خارج کشور داریم بتواند در تولید مشارکت نمایند، تا شاهد اجرای موفقیت آمیز طرح هدفمندی یارانه ها باشیم. والا اگر به این ملاحظات جانی و در عین حال بنیادین طرح هدفمندی یارانه ها توجه نکنیم، نمی توانیم شاهد تحول قابل ذکر و اصلاح ساختار اقتصادی کشور باشیم.

خوب به هر حال تا اینجا دولت آمده و یارانه ها را به مردم پرداخت کرده می بایست بسته حمایتی تولید را هم ارائه نموده و قدمهای محکمی در راستای

تعیین کننده علائم قیمتی باشد و نه به شکل دستوری، دولت تعیین کننده قیمتها باشد. با این منطق هدفمند کردن یارانه ها قابل توجیه و پذیرش است. اما توفیق در این امر نیازمند ارائه یک بسته سیاستی که زمینه ساز رقابتی نمودن فضای اقتصادی کشور باشد، می باشد. ببینید راهی که دولت در حال حاضر طی می کند اینست که عملاً مبادرت به افزایش قیمت نموده است و نه آزاد سازی قیمت. افزایش قیمت و آزاد سازی قیمت دو مقوله متفاوت است. دولت در حال حاضر در مقام یک انحصارگر در حوزه اقتصادی، تصمیم گرفته که از این به بعد بر روی حامل های انرژی یارانه نپردازد و از محل تغییر در استراتژی پرداخت یارانه ها و حذف آنها درآمد قابل توجهی را بدست آورده ام از اینکه بخواهد بخشی از آن را جبران کسری بودجه خودش بکند یا به مردم واگذار کند یا به تولید کننده بدهد.

اما معنای آزادسازی قیمت این است که اجازه تعیین قیمت به بازار داده شود، یعنی اجازه عرضه حامل های انرژی به بخش خصوصی داده شود. بدین معنی که اگر بخش خصوصی بخواهد بنزین وارد کند و ادعا نماید که ما می توانیم بنزین با همین کیفیتی که دولت تولید می کند و حتی بهتر از آنرا وارد کند و به قیمت آزاد مثلاً ۵۰۰ تومان بفروشد، این اجازه را داشته باشد.

بنده به مجریان طرح هدفمندی یارانه ها عرض کردم که همانطور که آقای احمدی نژاد می گفت سر کوچه ما همه چیز ارزان است! بنده هم سال گذشته که استاد مدعو دانشگاه کالیفرنیا بودم و آنجا زندگی می کردم، سر کوچه ما ۳ تا پمپ بنزین متعلق به ۳ شرکت متفاوت وجود داشت که قیمت های اینها متفاوت بود و روزانه هم حسب قیمت بین المللی نفت تغییر می کرد. هر ۳ تا هم متعلق به سه شرکت خصوصی متفاوت بودند و با هم رقابت می کردند. طبیعی است هر چه محصول با کیفیت تر و با قیمت بهتر عرضه کند مشتری بیشتری هم جذب می کند. لذا کاری که دولت باید انجام بدهد این است که اجازه دهد شرایط رقابت به معنای واقعی در کشور ایجاد شود والا اگر دولت همچنان بخواهد در اقتصاد تعیین تکلیف بکند و بخش خصوصی را تقویت نکند، اقتصاد واقعی شکل نمی گیرد. اگر این اتفاق نیفتد قیمت ۷۰۰ تومان با ۴۰۰ تومان یا ۱۰۰ تومان در اقتصاد تفاوت ماهوی ایجاد نمی کند. اگر چه پرداخت یارانه ها به صورت مستقیم به مردم آثاری را در پی خواهد داشت اما آن آثار بنیادین و تحول عمیق اقتصادی که ما در پی آن هستیم را به وجود نخواهد آورد.

تأثیر طرح هدفمندی یارانه ها بر صنایع و تولید ملی به چه شکلی است؟

در شرایط حاضر اتفاقی که شاهد آن هستیم این است که به یک نوعی این طرح سود تولید کننده را تبدیل به اضافه رفاه مصرف کننده می کند، بدین صورت که با افزایش قیمت حامل های انرژی هزینه های تمام شده تولید به شدت بالا می رود، حاشیه سود تولید کننده پایین می آید و از آن طرف دولت با یارانه های مستقیمی که به مردم می دهد اگر بتواند تورم را در یک سطح معقولی نگه دارد، اضافه رفاه مصرف کننده را افزایش می دهد. این در تناقض با سیاست معقول در تعادل اقتصادی که یک سیاست برنده-برنده برای تولید کننده و مصرف کننده است می باشد. دولت باید به شیوه ای سیاستهای اقتصادی را جهت بدهد که هم حاشیه سود تولید کننده افزایش پیدا کند و هم اضافه رفاه مصرف کننده افزایش یابد. بویژه آنکه اگر به تولید داخلی توجه نکنیم، آثار خوبی را در پی نخواهد داشت. همین الان یکسری از تولید کنندگان به دنبال تعطیل کردن بنگاهشان هستند. می گویند ما پیش از هدفمند کردن یارانه ها در نقطه سر به سر قرار داشتیم و اکنون نمی توانیم از پس هزینه های متغیر تولید برآییم و به عبارتی از نقطه نظر اقتصادی به نقطه تعطیلی بنگاه رسیده ایم.

در میان مدت اگر دولت تدبیری برای تولید نیندیشد، تولید با افت مواجه خواهد شد و این آثاری را در پی خواهد داشت؛ اول اینکه ما مجبوریم متوسل بشویم به واردات بیشتر برای پاسخگویی به تقاضای مصرف کننده. حجم

توجه نکنند. ممکن است ۴۰ هزار تومان به جیبشان وارد بشود ولی به خاطر افزایش قیمتها و نرخ خدمات ۵۰ هزار تومان به مرور زمان از آن خارج بشود! به همین خاطر بنده عرض کردم که دولت اگر فضای اقتصاد را رقابتی نکند، اگر آزاد سازی قیمتها صورت نگیرد، اگر فضا را برای تولید کننده های داخل مهیا نکند، در میان مدت یا بلند مدت مردم با مشکل مواجه خواهند شد. الان فردی هستش که قبل از طرح هدفمندی یارانه ها ماهی ۵۰۰۰ تومان برای گازوئیل موتورخانه اش پرداخت می کرده، الان با این اجرای طرح به او گفته شده است که مبلغ ۲۴۰ هزار تومان باید پردازد. یعنی یک خانواده ۳ نفره باید این میزان هزینه بابت سیستم گرمایشی خانه اش پردازد. یعنی کل یارانه ای که برای دو ماه به او تعلق می گیرد باید برای یک ماه بابت گازوئیل پردازد. الان ناگزیرند فقط برای مصارف ضروری مثل حمام و... موتورخانه را روشن کنند و برای گرمایش خانه مجبور شده اند پنجره ها را پلاستیک بکشند و یا به سختی و با سرما زندگی بکنند. این نتیجه افزایش قیمتهاست که ظاهرا مصرف هم کاهش پیدا کرده است. ولی نباید کاهش مصرف همراه با افزایش محرومیت باشد. افزایش محرومیت به این شکل، خودش را در آمار درآمدهای پولی و مالی نشان نمی دهد. خوب آن خانواده مجبور شده دیگر آن فضای گرم خانه اش را از دست بدهد و در سرما به سختی زندگی کند. خوب بیماری ممکن است سراغ اینها بیاید و هزینه دارو و درمان هم به هزینه های آنها اضافه شود.

یکی از معضلات و مشکلاتی که جامعه ایرانی به خصوص طیف جوان با آن روبرو هستند معضل بیکاری است، تاثیر هدفمندی یارانه ها بر مقوله بیکاری و یا اشتغال چه خواهد بود؟

ببینید در قانون هدفمندی یارانه ها مقرر گردیده است که ۵۰ درصد هدفمندی یارانه ها به سه شیوه مردم را مورد حمایت قرار دهد؛ یکی پرداخت نقدی، یکی توانمند سازی و دیگر کمک به بخش مسکن. ولی دولت آمده تنها پرداخت نقدی ۵۰ درصد را با ۱۰ درصد اضافه یعنی ۶۰ درصد به مردم داده است. یعنی مبلغی برای توانمند سازی نگذاشته است، مبلغی برای کمک به بخش مسکن باقی نگذاشته است و همه اینها را به صورت نقدی به مردم داده است. ممکن است در کوتاه مدت رضایت آنها را کسب نماید ولی آن چیزی که در نهایت می تواند فقر را ریشه کن نماید، توانمند سازی است. یعنی ما باید به جوانهای کنشور کار یا مهارت یاد بدهیم که بتوانند ایجاد شغل بکنند یا بتوانند شغل به دست بیاورند. چون غالب جوانهای ما فاقد مهارت و فنی برای به دست آوردن شغل هستند و چشم انتظار دولت هستند که مهارتی به آنها آموزش دهد و برای آنها شغل مهیا کند. در صورتی که اگر اینها مهارتی داشتند می توانستند خلق شغل بکنند، خلق تولید بکنند.

از طرف دیگر اگر بخش تولید همانطور که قبلا اشاره شد از سوی دولت حمایت نشود ما با یک شرایط رکود تورمی روبرو خواهیم شد. این شرایط، شرایطی است که هم سطح عمومی قیمتها بالا می رود و هم رکود حاکم می شود. در اقتصاد وقتی رکود بالا برود میزان اشتغال پایین آمده و بیکاری افزایش پیدا می کند.

بخش زیادی از کنجکاوهای ما در رابطه با طرح هدفمندی یارانه ها با توضیحات شما پاسخ داده شد، اگر فکر می کنید نکته ناگفته و سخن دیگری باقی هست اشاره بفرمایید؟

طرح هدفمندی یارانه ها می تواند اثربخشی خوبی بر اقتصاد داشته باشد مشروط بر اینکه آن ملاحظات و شرایط پیش گفته در اجرای آن اعمال شود و از افزایش تورم جلوگیری به عمل آید. چرا که تورم فقیر را فقیرتر و غنی را غنی تر می کند و این چیزی جز افزایش بی عدالتی نیست چرا که افرادی که صاحب امکانات و منابع مالی هستند می توانند به درآمد خود بیفزایند و افرادی هم که از این امکانات بی بهره اند روز به روز فقیرتر خواهند شد.

استحکام رابطه دولت و ملت بردارد و تنش را در فضای بین المللی کم کند. به معنای واقعی آزاد سازی قیمتها اقتصادی صورت بگیرد و در کنار آن به تمرکززدایی در دولت پردازد - چون بزرگترین مصرف کننده انرژی خود دولت است. اینجا یک سوال پیش می آید که آیا تلف شدن مقادیر متناهی از انرژی در ساختار به این فربهی و بزرگی دولت قابل توجیه است؟ آیا این همه سازمانها، وزارتخانه ها و... لازم است؟ همه دنیا رفته اند به سمت تمرکز زدایی؛ تفویض اختیار، تحویل اختیار، افزایش قدرت دولتهای محلی. چه دلیلی دارد که یک سربازی که در ممسنی هست برای یک کمسیون پزشکی به تهران بیاید؟ آیا نمی تواند در شیراز این کار را انجام بدهد؟ بنابراین در کنار بحث هدفمندی یارانه ها می بایست این اصلاحات ساختاری هم مورد توجه قرار بگیرد و دولت از این فربهی بیرون بیاید.

اما نکته ای که به لحاظ توسعه ای باید به آن توجه کنیم اینست که هر سیاستی که مردم را به دولت وابسته تر بکند، خلاف توسعه است و هر سیاستی که مردم را مستقل و مستغنی از دولت بکند در جهت توسعه است. بنابراین ما نیازمند راهبرد توسعه ای هستیم که مردم را از دولت مستغنی بکند. مردم با حضور و مشارکت خودشان در فضای اقتصادی بتوانند سهمشان را از عواید اقتصادی بگیرند. بنابراین اگر می خواهیم خدمت پایداری به مردم بکنیم باید زمینه اشتغال و کار را برای آنها فراهم کنیم. از این منظر هم می توان به نقد سیاست هدفمند کردن یارانه ها پرداخت. در هر حال ما بنا نداریم که از نگاه کاملاً منتقدانه به این بحث پردازیم چرا که این طرح در حال حاضر تبدیل به قانون شده و می بایست کمک بکنیم که درست و کامل اجرا بشود. سایر مولفه های ناعادلانه اقتصادی هم می بایست همراه با هدفمندی یارانه ها اصلاح بشود، نظام مالیاتی موجود در ساختار مالی کشور نیز می بایست اصلاح بشود. عدالت فقط ناظر به مولفه های مربوط به مصرف کننده نیست، بحث تولید و درآمدها هم می بایست مورد توجه قرار بگیرد. چرا عمدتاً کارمندان باید مالیات پردازند؟ چرا طلافروشی که در سال میلیاردها تومان درآمد دارد، پرداخت ۵ میلیون مالیات را بر نمی تابد؟ آنها از یک کارمند دولت کمتر مالیات می پردازند. دولت باید اقتدار خودش را در این زمینه ها هم نشان بدهد. هر کسی و هر بنگاه اقتصادی که درآمد بیشتری دارد - فرقی نمی کند که به چه کسی و چه نهادی متصل باشد - می بایست مالیات بیشتری پرداخت بکند. بنابراین در همه حوزه ها باید مناسبات ناعادلانه برچیده شود تا ما به این باور برسیم که تحول بنیادینی در عرصه اقتصادی در شرف وقوع است.

گفته می شود طرح هدفمندی یارانه ها به نفع طبقه کم درآمد و مستضعف جامعه است، نظر جنابعالی و ارزیابی شما از این موضوع چیست؟

ببینید بنده پیش از این هم عرض کردم یکی از دلایلی که دولت به سمت هدفمند کردن یارانه ها رفت این بود که عنوان می شد ارائه یارانه ها بر روی حامل های انرژی باعث می شود که طبقات متوسط به بالای درآمدی از این شیوه پرداخت یارانه ها استفاده بیشتری بکنند. بخصوص در مقوله بنزین این موضوع نمود بیشتری پیدا می کند. ادعای درستی است و قطعاً هم هدفمند کردن یارانه ها می تواند در بازتوزیع و عادلانه کردن پرداخت یارانه ها مثر ثمر باشد و می تواند در میان مدت در کاهش فقر مفید واقع بشود. به هر حال یک خانوار ۵ نفره در یک روستا ماهانه مبلغ دویست هزار تومان از این طرح صاحب شود، با توجه به اینکه امکان دارد در زندگی وابستگی زیادی هم به برخی حامل های انرژی همچون بنزین نداشته باشد، خیلی می تواند در زندگیش مفید واقع بشود. کمک خوبی به او خواهد بود. تا اینجا پس این طرح احتمالا می تواند در کوتاه مدت رضایت طبقه محروم را به بار بیاورد مشروط به اینکه دولت جوری بتواند سیاستهای کلان اقتصادی را جهت بدهد که میزان تورم به حدی بالا نرود که قدرت واقعی خرید مردم با وجود پرداخت مستقیم یارانه ها کاهش پیدا کند. خصوصاً آنکه مردم وقتی که پول نقد را می بینند ممکن است خیلی به آثار تورمی که طرح ممکن است بر جای بگذارد